Print ISSN: 2008 - 7217
Online ISSN: 2383 - 2681
Journal of Arabic Language & Literature
www.jall.um.ac.ir

Journal of Arabic Language & Literature, Vol. 16, No.2 Serial Number. 37

Analyzing the magic of proximity in the creation of music and meaning in the epic "Majd al-Islamm mm mmdh Mumarram masedo mmami madhanims tmorm

Doi: 10.22067/jallv16.i2. 2412-1489

Ramazan Rezaei[1]
Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Zahra Nasri
PhD in Arabic Language and Literature, Arak University, Arak, Iran

Mohamad reza Eslami
Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

Received: 30 June 2024 ▌Received in revised form: 8 August 2024 ▌Accepted: 15 September 2024

Abstract

The magic of proximity stands as one of the most significant elements in analyzing the musical structure of poetry, attracting considerable scholarly attention through its paradigmatic and syntagmatic dimensions. This phenomenon refers to the presence of specific phonetic and rhythmic balances within a poetic text. Both paradigmatic and syntagmatic relations represent crucial analytical tools in formalist criticism and semantic studies.A paradigmatic relationship denotes the connection between interchangeable linguistic units at the same structural level, while syntagmatic relations examine how words interact sequentially with their immediate context. The musical harmony between words, independent of their semantic value, often determines their proximate placement. These two axes serve as fundamental methods for identifying characteristics of artistic style in literary works.This research employs a descriptive-analytical approach to examine how the magic of proximity contributes to meaning creation and musicality in Ahmad Muharram's epic *Majd al-Islam*. The study's significance lies in elucidating the techniques that generate meaning, harmony, and musicality in Muharram's poetry, while revealing the stylistic and aesthetic qualities of this Islamic epic.The findings demonstrate that paradigmatic and syntagmatic relationships foster narrative coherence and semantic unity throughout *Majd al-Islam*. Muharram's strategic lexical combinations establish the work's distinctive stylistic framework. The skillful deployment of literary devices alongside phonetic features creates remarkable harmony and produces a unique musical quality that amplifies the text's conceptual emphasis.The epic's meticulous word selection particularly engages readers with Muharram's verse. When vocabulary is employed with precise intentionality, it generates both intellectual appeal and aesthetic pleasure. The resulting musicality elevates the discourse, transforming speech into an art form of noble expression. This linguistic craftsmanship explains the enduring appeal of *Majd al-Islam* among its audience.

Keywords: Proximity magic, Paradigmatic and Syntagmatic relationships, Inner music, Ahmed Muharram, Epic Majd al-Islam.

1. Corresponding author R.Rezaei@ihcs.ac.ir

زبان و ادبیات عربی (فصلنامه علمی)
www.jall.um.ac.ir
شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۷۲۱۷
شاپا الکترونیکی: ۲۳۸۳-۲۶۸۱

زبان و ادبیات عربی، دورهٔ شانزدهم، شماره۲ (پیاپی۳۷) تابستان ۱۴۰۳، صص:۷۳-۵۳

تحلیل جادوی مجاورت در آفرینش موسیقی و معنا در حماسه «مجد الاسلام» اثر احمد محرم با تکیه‌بر نظریه شفیعی کدکنی

(پژوهشی)

رمضان رضائی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران ، نویسنده مسئول)[1]
زهرا نصری (دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران)
محمدرضا اسلامی (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران)

Doi: 10.22067/jallv16.i2. 2412-1489

چکیده

جادوی مجاورت یکی از مهم‌ترین مباحث در تحلیل ساختار موسیقایی شعر است که موردتوجه پژوهشگران واقع‌شده و شامل محورهای همنشینی و جانشینی است. جادوی مجاورت به معنای توازن‌های موسیقایی و آوایی در متن است. محورهای جانشینی و همنشینی از مهم‌ترین ابزارهای مطرح شده در نقد فرمالیستی و علم معناشناسی به شمار می‌آیند. رابطه جانشینی، پیوند موجود میان واحدهایی است که به جای هم انتخاب می‌شوند و در همان سطح، واحدهای تازه‌ای پدید می‌آورند. در محور همنشینی ارتباط واژه با واژه‌های پیش و پس از آن بررسی می‌شود. موسیقی مشترک بین واژه‌ها بدون در نظر گرفتن بعد معنایی آن‌ها منجر به حضور واژه‌ها در کنار هم می‌گردد. محور جانشینی و همنشینی شیوه‌ای برای تعیین ویژگی‌های سبک هنری و ادبی به شمار می‌آید. این پژوهش قصد دارد تأثیر جادوی مجاورت را در آفرینش معنا و موسیقی به روش توصیفی – تحلیلی در حماسهٔ «**مجد الإسلام**» واکاوی نماید. عاملی که بر ضرورت انجام این جستار تأکید می‌کند، تبیین روش‌های مؤثر در آفرینش معنا، هارمونی و موسیقی شعر احمد محرم و کشف زیبایی‌های فنی و سبکی در حماسه «مجد الإسلام» برای مخاطب است. یافته‌های این جستار حاکی از آن است که رابطه جانشینی و همنشینی موجب انسجام و اتحاد معنایی در حماسه «**مجد الإسلام**» شده است. هم‌نشینی درست کلمات، عرصه را برای تمایز سبک این اثر حماسی فراهم کرده است. به‌کارگیری صنایع ادبی و همنشینی آن‌ها در کنار هم و بهره‌مندی از مشخصات آوایی سبب هماهنگی و ایجاد موسیقی ویژه‌ای در این اثر شده است و بدین ترتیب مفاهیم و معناها با تأکید بیشتری ذکر شده است. گزینش صحیح واژه‌ها در این اثر حماسی موجب توجه بیشتر مخاطب به اشعار احمد محرم می‌شود؛ چراکه هنگامی‌که واژه‌ای در معنای صحیح استفاده شود انسان مشتاق آن شده و این موسیقی برخاسته از کلمات سبب فخیم شدن سخن می‌شود.

کلید واژه‌ها: جادوی مجاورت، روابط جانشینی و همنشینی، موسیقی درونی، احمد محرم، حماسه مجد الإسلام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵

۱- ایمیل نویسنده مسئول: R.Rezaei@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه

هم‌آیی و همنشینی کلمات از موضوعات مهم در علم معناشناسی است که به پیوند میان سطح واژگان و مفاهیم می‌پردازد. تحلیل جنبه‌های زبانی در پرتو جادوی مجاورت به پژوهشگر در فهم عناصر زیبایی‌شناسی کلام کمک می‌کند. موسیقی شعر اصلی‌ترین عنصر لذت‌بخشی و تأثیرگذاری بر مخاطب به شمار می‌آید. موسیقی و اثرگذاری آن در شعر حماسی در مقایسه با دیگر گونه‌های شعر بسیار چشمگیر است. جادوی مجاورت یکی از شگردهای ادبی و بلاغی به شمار می‌آید که بیانگر کاربست همانندی‌ها و تکرارهای آوایی به‌منظور ایجاد کارکردهای معنایی است. کارکرد معنایی یعنی اتحاد معنایی و انسجام بخشیدن به واژه‌هایی که از نظر معنایی از یکدیگر دور هستند؛ امّا بنا بر همانندی آوایی در کنار یکدیگر واقع‌شده‌اند و از طریق همانندی ظاهری میان کلمات، معنایی تازه خلق می‌شود.

شاعر در این رویکرد با استفاده از تکرار آواها، مفهوم موردنظر خویش را با قدرت بیشتری به مخاطب منتقل می‌کند. شفیعی کدکنی معتقد است «جادوی مجاورت حاصل موسیقی پنهان بین آواها و کلمات است که به وسیلهٔ سجع یا جناس تجلّی می‌یابد» (زاد اخوت و همکاران، ۱٤۰۲: ۳۰۳). جادوی مجاورت بیانگر برخی از توازن‌های موسیقایی و آوایی در زبان است. جادوی موسیقایی و ویژگی‌های آوایی پیوند میان کلمات را توجیه می‌کند. جادوی مجاورت و در هم نشستن واژه‌هایی که دارای آوای مشترک هستند توجه مخاطب را جذب خود می‌کند و بدین ترتیب باعث می‌شود فاصله معنایی میان کلمات را حس نکند و آن‌ها را همچون کلماتی مرتبط و وحدت یافته بپذیرد.

گاهی میان شکل واژه‌ها و مفاهیم موردنظر شاعر هماهنگی وجود دارد، گاهی شاعر از طریق واژه‌ها حالات گوناگون را ترسیم می‌کند و گاهی از طریق موسیقی واژه‌ها، حس، معنا و... منتقل می‌شود؛ ازاین‌رو شاعر در گزینش کلمات دقت می‌کند. شاعر توانمند از ویژگی القایی کلمات بیشترین بهره را می‌گیرد. افزون بر واژه‌ها، آواها نیز بیانگر معناها و حالات خاصی هستند به عنوان نمونه آواهای نرم به منظور ترسیم اندیشه‌ها و احساسات حزن‌آلود، جدی و تأسف‌بار به کار می‌روند (قویمی، ۱۳۸۳: ۱۳)

از دیدگاه شفیعی کدکنی «جادوی مجاورت به خلاقیّت نویسنده و شاعر می‌انجامد. آثار این رویکرد در متون مقدس به‌ویژه قرآن کریم و شاهکارهای ادبی جهان به خوبی نمایان است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۱۷). شایان ذکر است که نمی‌توان کاربست صنعت جناس را به تنهایی جادوی مجاورت به شمار آورد؛ چرا که عامل اساسی جادوی مجاورت آن است که در پی شکل واژه‌ها، معنی پدید آید (شفیعی کدکنی و گلچین، ۱۳۸۱: ۳۸). این رویکرد هنری چیزی فراتر از استفاده از صنایع لفظی و جناس است و آنگاه تحقق می‌یابد که ویژگی‌های مشترک در همشینی، موسیقی لفظی و نزدیکی کلمات از جهت ظاهری سبب افزایش بار معنای کلام شود و مفهوم مراد شاعر با قدرت بیشتری به مخاطب انتقال یابد (همان: ۳۱). لازم به ذکر است که جادوی مجاورت به دنبال محورهای همنشینی و جانشینی و کاربست درست از کلمات برای ایجاد معنا و موسیقی کلام به وجود می‌آید.

جادوی مجاورت در حماسه «مجد الإسلام» بازتاب گسترده‌ای دارد؛ از این رو جستار حاضر با انتخاب این اثر به عنوان یکی از ارزشمندترین آثار ادبی در عرصه شعر به تحلیل جادوی مجاورت در آفرینش معنا و موسیقی در دیوان «مجد الإسلام» با تکیه بر نظریه شفیعی کدکنی می‌پردازد و بدین ترتیب پژوهشی جدید را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا زیبایی‌های فنی و زوایای پنهان این اثر حماسی را درک کنند.

۱. ۱. پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر دیدگاه شفیعی کدکنی به واکاوی جادوی مجاورت در محورهای جانشینی و همنشینی در حماسه «مجد الإسلام» اثر احمد محرم بپردازد و به این پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. احمد محرم از چه روش‌هایی به منظور ایجاد موسیقی و جادوی مجاورت در حماسه «مجد الإسلام» استفاده کرده است؟

۲. جادوی مجاورت چگونه در خلق معناهای جدید در شعر احمد محرم تأثیر نهاده است؟

۱. ۲. فرضیه‌های پژوهش

۱. احمد محرم در محور همنشینی از شگردهای ادبی مانند جناس، سجع، مراعات‌النظیر، مقابله، تضاد، تکرار و واج-آرایی و در محور جانشینی از استعاره، تشخیص و کنایه به منظور ایجاد موسیقی و جادوی مجاورت در حماسه «مجد الإسلام» استفاده کرده است.

۲. به‌کارگیری صنایع ادبی و همنشینی آن‌ها در کنار هم و بهره‌مندی از مشخصات آوایی سبب هماهنگی و ایجاد موسیقی ویژه‌ای در این اثر شده است و بدین ترتیب مفاهیم و معناها با تأکید بیشتری ذکر شده است.

۱. ۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره اشعار احمد محرم صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود تا وجه تمایز آن‌ها با پژوهش حاضر تبیین شود:

- (مختاری و نصیری) در پژوهشی با عنوان «بررسی حماسه‌های اسلامی در شعر معاصر عربی ۱۳۹٤» به این نتایج رسیده‌اند که رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهان عرب سبب سرودن حماسه‌های اسلامی شده‌اند. این آثار در قالب تعلیمی، رویدادهای تاریخ صدر اسلام را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کنند.

- یافته‌های (عبدی) در جستاری با عنوان «واکاوی مؤلفه‌های وجدت اسلامی در اشعار احمد محرم ۱۳۹۷» این بوده است که مؤلفه‌های وحدت اسلامی در شعر وی شامل خودداری از تفرقه و اختلاف، پرهیز از حس ناسیونالیستی و قومیت‌گرایی، تمسک به دین اسلام و پناه بردن به پیامبر (ص) است.

- (صدقی و صاعدی) در مقاله‌ای با عنوان «الوطنية الصادقة في شعر احمد محرم» به این نتایج دست‌یافته‌اند که مؤلفه‌های وطن‌گرایی در اشعار احمد محرم شامل عشق به مصر، توجیه ثروتمندان مصر در پرداختن به واجبات ملی، نصیحت مصری‌ها به رهایی از قیدوبندهای اشغال مصر توسط بیگانگان و نکوهش پادشاهان و فرمانروایان خودکامه است.

- یافته‌های (حسینی اشلقی) در پژوهشی با عنوان «فراخوانی شخصیت‌های موروثی در شعر احمد محرم ۱٤۰۰» این بوده است که فراخوانی میراث تاریخی و دینی در مقایسه با دیگرگونه‌های فراخوانی در اشعار احمد محرم از بسامد گسترده‌ای برخوردار است و عوامل سیاسی، فرهنگی و ملی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روی آوردن شاعر به فراخوانی میراث در اشعارش است.

درباره جادوی مجاورت نیز پژوهش‌هایی انجام شده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

– (زادخوت و همکاران) در پژوهشی با عنوان «بررسی جادوی مجاورت در مجموعه آیینه‌ای برای صداها سروده شفیعی کدکنی ١٤٠٢» به این نتایج دست یافته‌اند که جادوی مجاورت سبب انسجام در شعر شفیعی کدکنی شده است و کاربست این روش با هدف القای تصاویر، احساسات و صداها است.

– (شاهوردی و همکاران) در مقاله‌ای با عنوان «جادوی مجاورت در گفتارهایی چند از نهج‌البلاغه ١٤٠٢» به واکاوی جادوی مجاورت در خطبه‌های سیزدهم، صد و سی و سوم و شقشقیه را پرداخته‌اند. نگارندگان به این نتایج دست‌یافته‌اند که جادوی مجاورت از طریق ایجاد هماهنگی‌های پنهان میان بخش‌های کلام تبدیل به عاملی بی‌بدیل در کلام امام علی (ع) شده است.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته تاکنون پژوهشی در زمینه جادوی مجاورت در آفرینش معنا و موسیقی در حماسه «مجد الإسلام» احمد محرم انجام نشده است. از آن‌جا که پژوهش‌های صورت گرفته درباره شعر احمد محرم به واکاوی مباحثی چون فراخوانی شخصیت‌های موروثی، عناصر وحدت اسلامی و وطن‌گرایی در شعر احمد محرم پرداخته‌اند و ساختار موسیقایی شعر وی مورد غفلت واقع شده است، پژوهش حاضر پژوهشی جدید به شمار می‌آید.

لازم به ذکر است که حماسه «مجد الإسلام» از ١٦٠ قصیده تشکیل شده است و جامعه آماری پژوهش حاضر ٥٠ نمونه از قصاید این اثر حماسی است.

١ .٤. مروری بر حماسه «مجد الإسلام»

حماسه مجد الإسلام از سه هزار بیت تشکیل شده است و حیات پیامبر (ص) را از هنگام تولد تا رحلت ایشان به تصویر می‌کشد. احمد محرم این اثر را به منظور ترسیم افتخارات پیامبر (ص) نگاشته است. موضوع آن جنگ‌های صدر اسلام، جهاد و هجرت پیامبر (ص) است. این اشعار به سبب درون‌مایه‌ای که دارد مورد توجه ادبیان و نویسندگان بسیاری قرار گرفته است (ر.ک: مختاری و نصیری، ١٣٩٤: ٢٦٨). احمد زکی ابوشادی، این اثر را درّ بی‌همتای ادبیات عربی به شمار می‌آورد؛ چرا که علاوه بر ترسیم زندگانی پیامبر (ص)، روح جهان اسلام را به شیوه‌ای هنری به تصویر می‌کشد (الفار، ٢٠٠٥م: ٥٦–٥٧).

حماسه «مجد الإسلام» از نظر موضوعی با تاریخ اسلام پیوند خورده است. هدف از این حماسه ترسیم قهرمانی‌ها و دلاوری‌های پیامبر (ص) در جهت حفظ و تحکیم اسلام و محقق ساختن وحدت اسلامی است. احمد محرم با این اثر قصد دارد با روشی هنری و ادبی مخاطبان خویش را به دین اسلام فراخواند. این اثر به سبب در برگرفتن ویژگی‌های حماسی از سوی ناقدان لقب «**مجد الإسلام**» با به خود اختصاص داده است (ر.ک: مختاری و نصیری، ١٣٩٤: ٢٦٩).

٢. مبانی نظری پژوهش

٢. ١. جادوی مجاورت

جادوی مجاورت یکی از مفاهیمی است که نخستین بار به وسیلهٔ شفیعی کدکنی مطرح شد. وی در مقاله‌ای با عنوان «جادوی مجاورت» به واکاوی ویژگی‌های موسیقایی در ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخت. او بر این باور است که بسیاری از حکمت‌ها، سخنان بزرگان و ضرب‌المثل‌های به کار رفته در ادبیات فارسی و عربی دارای ویژگی جادوی مجاورت است. وی دربارهٔ عوامل تشکیل‌دهندهٔ این ساختار هنری این‌گونه می‌نویسد: «یکی از عناصر مشخص‌کنندهٔ

روش‌های بلاغی و تأثیرات زبانی، جادوی مجاورت است؛ همان رویکردی که نویسندگان و اهل بلاغت از برخی از گونه‌های آن در بلاغت کشورهای مختلف جهان با نام «جناس» یا دیگر برابر نهاده‌های آن در زبان‌های خارجی یاد کرده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ٤٠٩).

می‌توان گفت که جادوی مجاورت حاصل هم‌نشینی کلماتی است که از نظر آوایی به یکدیگر نزدیک هستند؛ امّا ازنظر معنایی از یکدیگر دور هستند و این بُعد معنایی تحت تأثیر همانندی آوایی قرارگرفته و بدین ترتیب واژه‌هایی که دارای معنای دور هستند در قالب معناهای نو ارائه می‌شوند؛ بنابراین جادوی مجاورت نه‌تنها سبب القای بهتر معناها و مفاهیم می‌گردد؛ بلکه موسیقی لفظی واژه‌ها را نیز غنی‌تر می‌کند (ر.ک: نوروزی، ١٤٠١: ١٨٧). لازم به ذکر است که جادوی مجاورت چیزی فراتر از کاربست گونه‌های صنایع لفظی و انواع جناس است و تنها آنگاه تجلّی می‌یابد که نزدیکی واژه‌ها در اشتراک موسیقی لفظی و صورت، به افزایش معنای جدید بیانجامد یا مفهوم مراد نویسنده یا شاعر باقدرت بیشتری به مخاطب منتقل شود (ر.ک: شفیعی کدکنی و گلچین، ۱۳۸۱: ۳۱). می‌توان گفت «متن ادبی دارای ساختار است و همهٔ عوامل تشکیل‌دهندهٔ آن ارتباط متقابلی با همدیگر داشته و میان آن‌ها وابستگی وجود دارد. هر عامل به تنهایی دارای کارکردی خاص است و از طریق آن کارکرد با کل متن پیوند دارد» (برتنس، ١٣٩٤: ٥٧).

هنگامی که میان صورت و محتوای یک متن ادبی به شیوه‌ای پیوند ایجاد شود که مخاطب، اثر ادبی را بهتر درک کند و در وی آثار زیباشناختی ایجاد کند، می‌توان از خوانش شکل‌گرایانه و فرمالیستی سخن گفت؛ خوانشی که به روشی قاعده‌مند به نقد متون ادبی می‌پردازد. صورت‌گرایان در نخستین تلاش خویش به ارائهٔ تعریف ادبیت پرداختند و میان زبان روزمره و زبان شعر تمایز قائل شدند (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۸: ۱۹۹). جادوی مجاورت به سبب برخورداری از موسیقی نهفته موجود در متن، مخاطب را به خویش جلب کرده و سبب قوت جذب مفاهیم پنهان متن می‌شود. این رویکرد در سرگذشت تاریخی و اجتماعی اقوام و ملل گوناگون، تأثیر چشمگیری ایفا کرده است. ملت‌ها بسیاری از مشخصات فکری خویش را تحت تأثیر جادوی مجاورت فرا گرفته‌اند. جناس یا سجع مخاطب را به گفتن سخنان سنجیده و نسنجیده تحریک کرده و به دنبال آثار این شگرد هنری، این سخنان پس از مدتی کوتاه به ضرب‌المثل یا حکمت تبدیل شده‌اند (ر.ک: فیضی، ۱۳۸۸: ٥٦٤).

موسیقی یکی از مهم‌ترین عوامل سرودن شعر به شمار می‌آید که سبب تشخص کلمات می‌شود. میان شعر و موسیقی پیوندی ناگسستنی وجود دارد که اهل هنر و فرهنگ از آن آگاه هستند. موسیقی از بارزترین ویژگی‌های شعر است که بر روح خواننده نفوذ کرده و بر قوای تخییلی و ذهن وی تأثیر می‌گذارد (ر.ک: جوادی و همکاران، ١٤٠١: ٢). عواطف و احساسات درونی مؤلف موجب می‌شود که وی بتواند از آواها و کلماتی خاص به منظور ایجاد موسیقی و تأثیرگذاری بیشتر کلام خویش بر خواننده بهره گیرد (ر.ک: غفوری‌فر و همکاران، ۱۳۹۵: ١٢٦).

در جادوی مجاورت، توازن و هماهنگی موسیقایی موجود میان واژه‌ها به خلق معنای تازه می‌انجامد بدین ترتیب که موسیقی برخاسته از یکسانی یا تضاد بین صامت‌ها و مصوت‌های واژه‌ها با مفهوم مراد شاعر دارای تطابق و هماهنگی است. برخی از روش‌های شاعرانه نظیر حس‌آمیزی، تضاد، پارادوکس، مراعات‌النظیر، تکرار و جناس که از عوامل اصلی موسیقی درونی هستند جلوه‌گاه جادوی مجاورت به شمار می‌آیند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹۲). گاهی مفاهیمی که در ورای ساختار آوایی واژه‌ها وجود دارد و نظام موسیقایی که از طریق همنشینی واژه‌ها ایجاد می‌شود می‌تواند عرصهٔ تجلی جادوی مجاورت قرار گیرد. لازم به ذکر است که میان موسیقی درونی و جادوی مجاورت پیوند تنگاتنگی وجود

دارد؛ چراکه در جادوی مجاورت صورت واژه‌ها منجر به نقش‌آفرینی می‌شود. جادوی مجاورت هنگامی منجر به آفرینش معنا می‌شود که اگر به‌جای واژه‌هایی که موسیقی لفظی مشترکی دارند، معادل آن‌ها قرار داده شود، تناسب به وجود آمده، معنای جدید و تقویت معنا در شکل نخست به‌طورکلی از بین خواهد رفت (ر.ک: شفیعی کدکنی و گلچین، ۱۳۸۱: ۳۱– ۳۲).

۲ .۲. محورهای همنشینی و جانشینی

سوسور نخستین بار محورهای همنشینی و جانشینی را بیان کرد. او با مطرح نمودن این محورها عرصه را برای تحلیل‌های زبانی فراهم نمود. وی زبان را زنجیره سخن در نظر می‌گرفت که از عناصر زبانی مانند کلمات، تک‌واژها و واج‌ها تشکیل شده است که با توجه به نظامی خاص در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا مفاهیم و معناها را به خواننده منتقل نماید. محور همنشینی بنا بر موارد متفاوت و محور جانشینی بر پایهٔ عناصر مشابه شکل می‌گیرد. در محور همنشینی واحدهای روابط کلام بنا بر ترکیب و در محور جانشینی روابط متکی بر گزینش است (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲).

شایان‌ذکر است که محورهای یادشده، سبب تناسب کلام و موسیقایی‌شدن آن می‌شوند. جادوی مجاورت به دنبال محورهای همنشینی و جانشینی و کاربست درست از کلمات و ایجاد معنا به وجود می‌آید. گاهی موسیقی سخن از طریق همنشینی حروف خاص و جادوی مجاورت نمایان می‌شود. توالی آواها و نظم موجود در کلمات و بافت جمله، آهنگی را به وجود می‌آورد که بدان واج‌آرایی گویند. این شگرد هنری حاکی از حالات احساسی و عاطفی و مفاهیم مورد نظر شاعر است (ر.ک: علی‌پور، ۱۳۷٤: ۵۳). لازم به ذکر است که اگر جناس و واج‌آرایی، دارای کارکرد معنایی باشند دربرگیرنده ارزش هنری و ادبی خواهند بود. از جمله کارکردهای واج‌آرایی می‌توان به القاگری تصاویر و آواها، حالات احساسی، القای مفاهیم و معناها و ایجاد نظم اشاره کرد (ر.ک: سجودی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

۲ .۳. سجع

یکی از عواملی که سبب آهنگین شدن اشعار احمد محرم شده توجه بسیار وی به شگرد هنری سجع است و چه‌بسا این روش، نخستین نشانه موسیقایی اشعار او است که نظر مخاطب را از همان ابتدا جلب خویش می‌نماید. اشعار مسجع وی با موسیقی دل‌نواز و روح‌پرور خود موجی از احساسات بسیار تأثیرگذار است.

«وثُمَّ الرّحیل فنعم السبیل سبیل القتیل الجلیل الخطر» (محرم، ۲۰۱۱م: ۲٦۲)

سجع بنا بر وحدتی که در کلام پدید می‌آورد سبب انسجام فکری، وحدت اندیشه و دریافت بهتر معناها می‌شود. با توجه به تمایل فطری انسان به همانندی و تناسب، خواسته یا ناخواسته، کلامی که در آن سجع به‌کاررفته توجه وی را جلب خویش نموده و بدین ترتیب زمینه برای پذیرش مفاهیم در وی پدیدار می‌گردد. سجع در حماسه «**مجد الإسلام**» سبب هماهنگی موسیقایی، تناسب لفظ و معنا و برخورداری از عناصر آوایی سخن در بافت اشعار احمد محرم شده است. این پدیده نشان می‌دهد که بلاغت و شیوایی در کلام وی ریشه دوانده و سخن‌پردازی او به دور از تصنع و تکلف بوده و از ظرافت ادبی برخوردار است. در این بیت میان واژه‌های «**الرّحیل**» و«**السبیل**» سجع به کار رفته است. لازم به ذکر است که انسجام الفاظ و هماهنگی آوایی حاصل از صنعت سجع در این بیت به قدرت و استحکام کلام

می‌انجامد. حروف واژه‌ها و الفاظی که در کنار یکدیگر همنشین شده‌اند، بار معنایی هماهنگی را در ساختار اشعار احمد محرم ایجاد کرده است. هم‌آیی این واژه‌ها به خلق موسیقی درونی در کلام وی کمک شایانی کرده است.

جدول زیر نمونه‌های دیگری از سجع‌های استفاده شده در حماسه «**مجد الإسلام**» را نشان می‌دهد:

من كلِّ منغمس في النّفس مرتجس	وكلِّ منبجس بالبأس فوّار (همان: ۵۱).
ترفق يا عُيَينة باللقاح	وبالخيل المغيرة والسلاح
وخفض من غرورك والطماح	فما مال النبيَّ بمستباح
	ولا هو يوم حرب أو كفاح (همان: ۲۰۱).
أريد حياته و يريد قتلي	عذيرك من خليلك من مراد (همان: ۳۷۷).
كلا الرّجلين غطريف كريم	له في قومه حسب قديم
زعيم جاء يصحبه زعيم	كذلک يظهر الدّين العظيم (همان: ۲۸۵).
يفكّ العناة ويعطي العفاة	ويكسو العراة ويحمي الحرم (همان: ٤٢٧).
أرأيت حكمة سيد الكرماء؟	وعرفت شيخ السادة الحكماء (همان: ۳۱۵).
لعمرک ما لقاتله شفيع	صريع طاح في دمه صريع (همان: ۲۰۳).
ثقيف انظري أين قصد الطريق؟	وكيف يلقى النجاة الغريق؟ (همان: ۳۱۹).
ضعاف القلوب قعود جمود	يخافون كلّ سفوح دفوق (همان: ۳۲۰).
يا ناقصَ العهد لا شكوى ولا أسف	الله منتقم والسّيف منتصف (همان: ٤٢١).

سجع به‌عنوان یکی از عوامل موسیقایی بسیار مهم در حماسه «مجد الإسلام» نقش بسزایی در تکامل موسیقایی کلام احمد محرم ایفا می‌کند؛ بنابراین قدرت شاعر در بهره‌گیری از هماهنگی‌های آواها و نغمه‌های حاصل از سجع در شعر وی تبدیل به عنصری یگانه شده است که کارکرد اصلی آن تأثیرگذاری در ذهن خواننده است. انسجام فرم و هماهنگی‌های آوایی در اشعار وی موجب تقویت و انسجام کلام شده است و بدین وسیله توانسته است مفاهیم حماسی را به‌خوبی به خواننده منتقل کند. سجع سبب هماهنگی میان دو حوزه لفظ و معنا در اشعار وی شده است. سجع از یک‌سو انگیزه‌های دل‌بستگی و جلب توجه مخاطب به کلام احمد محرم را افزایش داده و از سوی دیگر زمینه را برای پیوند عمیق‌تر و قوی‌تر مخاطب و کشف زیبایی‌های ساختاری و هنری اشعار احمد محرم فراهم کرده است. سجع در اشعار وی نه تنها جزء ارکان اصلی ابیات است؛ بلکه عامل تکامل آوایی و معنایی نیز است.

۲ .٤. جناس

جناس یکی از عناصری است که نقش آشکاری در موسیقی سخن دارد. «جناس نه‌تنها به هارمونی، توافق و انسجام سخن می‌انجامد؛ بلکه بنا بر همگونی واژه‌های متجانس موجب شکل‌گیری موسیقی‌ای می‌شود که گوش خواننده با شنیدن آن به لذت دست می‌یابد» (ابن عاشور، بی‌تا: ٤٢؛ الجندی، ۱۹٥٤: ۲۹). جناس و گونه‌های متفاوت آن در شکل‌گیری نظام‌های آوایی موجود در یک متن تأثیر بسزایی دارند و شاعران با استفاده از آن به آفرینش شکل‌های زیباشناسی در ساختار سخن خویش می‌پردازند و بدین ترتیب عرصه را برای ایجاد سبکی متفاوت فراهم می‌کنند.

احمد محرم در حماسهٔ خود با بهره‌گیری از گونه‌های متفاوت جناس، سبکی طنین‌انداز را پدید می‌آورد که سبب انتقال بهتر معناها شده و هر مخاطبی را به خویش جذب می‌کند؛ به بیانی دیگر گزینش صحیح واژه‌ها در دیوان «**مجد الإسلام**» موجب توجه بیشتر مخاطب به اشعار وی می‌شود؛ چراکه هنگامی‌که واژه‌ای در معنای صحیح استفاده شود انسان مشتاق آن شده و این موسیقی برخاسته از کلمات، سبب فخیم شدن سخن می‌شود.

«خفَّ الرّجال إليك يهتف جمعهم وقلوبهم فرحًا أخفُّ وأعجل» (محرم، ٢٠١١م: ٣٧)

موسیقی پدید آمده در پی همنشینی واژگان در چارچوب جناس منجر به زیبایی و لطافت خاصی در اشعار احمد محرم شده است. جادوی مجاورت در این بیت از طریق جناس ایجاد شده است. عامل جناس در این بیت به یکی از مشخصات موسیقایی استفاده شده در ساختار شعر وی شده است که از طریق ایجاد هم‌آوایی در بیت تبدیل به یکی از عناصر مؤثر در خلق تصاویر جمال‌شناسی کلام شده است. در این بیت از طریق جناس، موسیقی داخلی به‌گونه‌ای به گوش می‌رسد که کلام نه‌تنها با طنین بیشتری خوانده می‌شود؛ بلکه در کلام هارمونی و انسجام خاصی حس می‌شود. همان‌گونه که پیش از این گفته شد نزدیکی واژه‌ها در اشتراک موسیقی لفظی و فرم، سبب افزایش معنای جدید در کلام می‌شود. جناس میان «خفَّ» و «أخفُّ» باعث شده مفاهیم مورد نظر شاعر با قوت بیشتری به خواننده منتقل شود. هم‌نشینی عناصر مشابه در قال جناس به لحاظ اشتراک صوتی و آوایی سبب انشجام این بیت شعری شده است. اگر شاعر به جای «خفَّ» و «أخفُّ»، از واژه‌های دیگری استفاده می‌کرد، کلام بار معنایی خویش را از دست می‌داد. همنشینی این کلمات در ساختار متن، تحت تأثیر جادوی مجاورت و تشابه صوری منجر شده لفظ و معنا به یکدیگر نزدیک شوند.

اللّيث في محرابه و كتابه واللّيث في أشباله وعرينه (همان: ٣٨٥).

کاربست جادوی مجاورت در چارچوب صنعت هنری جناس تام باعث شده نه‌تنها بیت از منظر موسیقی لفظی دل‌نشین‌تر شود؛ بلکه منجر شده شاعر در انتقال معنا به مخاطب موفق‌تر عمل کند. جناس تام بین واژه‌های «اللّیث» به کار رفته است. اولی بیانگر پیامبر (ص) است و دومی بر شیر حقیقی دلالت دارد. احمد محرم می‌توانست به جای واژه «اللیث»، واژه «الأسد» یا اسم حیوانات دیگری را قرار دهد اما شاعر با خلاقیت و توانمندی واژه «اللیث» را برگزیده است. جناس تام در این بیت سبب شده شاعر مفهوم مراد خویش را با قوت اقناع بیشتری به شنونده القا نماید. در این بیت به خوبی ثابت می‌شود که آفرینش معنا از طریق موسیقی لفظی در قالب جناس به وجود آمده است. شاعر با کاربست جناس تام توانسته مفهوم شجاعت را به خوبی ترسیم کند.

از آنجا که تحلیل همه ابیاتی که در آن‌ها جناس به کار رفته است در این جستار نمی‌گنجد، نمونه‌های دیگری از جناس‌های به کار رفته در شعر احمد محرم در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

الثاوياتُ على هدى من ربّها	والسابحاتُ السائحاتُ الجُوَّلُ (محرم، ٢٠١١م: ٤١).
القوم غاظهم الصحيح فزيّفوا	ومن الأمور مزيف و مصحح (همان: ٦١).
إخشع أبا لهب فإن تک ذا عمًى	فجبال مكة والأباطح خُشَّع (همان: ٦٥).
أنت نشأت للنفوس حياةً	غيَّرت كل كائنٍ تغييرا (همان: ١٣).
جنى على زعماء السوء ما اجترحوا	وحاق بالمعشر الباغين ما اجترموا (همان: ٧٩).

إذا الحادثات السود عبّ عبابها كففن البلايا أو كشفن الدياجيا (همان: ١١٢).

أجَلْ يا سعدُ فارفعها سماء تُجاوِزُ كُلَّ مُطَلَّعٍ سَناء (همان: ٢٠٥).

تنحُّوا عنه إذا كره التّنحّي فما ابتلّت جوانحهم بنضح (همان: ٢٠٦).

اذكروا الأبطال تهوي واتّقوا حاصد الموت كفاكم ما حصد (همان: ١٢٣).

حرةٌ من حرةٍ أنجبها ونماها نابِهٌ من نابِهِ (همان: ١٤٥).

إذا انصرفت شعوب الأرض عنه فبشِّر كل شعب بالشقاء (همان: ١٤٨).

هدم الإمام العبقري أساسه وسما بدين العبقرية بانيا (همان: ١٧٦).

رميت الألى حبس الفاتحون بموتٍ حبيس وبأس طليق (همان: ٣٢٠).

لسنا نقاتل بالآلاف نحشدها ألفًا لألف من الأبطال مكتمل (همان: ٢٧٢).

وخُلِّيَت النساء فلا ذمار لبكريٍّ يصان ولا ذمام (همان: ٤١٨).

در ابیات فوق اشتراک حروف سبب جادوی مجاورت و القای بهتر مفاهیم موردنظر شاعر به مخاطب شده است. اگر شاعر به‌جای این واژه‌ها از واژه‌های دیگری استفاده می‌کرد نه‌تنها جنبه‌های آوایی و موسیقایی در کلام به وجود نمی‌آمد؛ بلکه اشعار وی فاقد زیبایی نیز بود. شاعر با استفاده از جناس، تناسب و وحدت معنایی را در سخن خویش به وجود آورده است. شاعر از طریق جناس، موسیقی کلام را دوچندان کرده است. موسیقی پدید آمده در این ابیات در پی همنشینی واژگان و جناس منجر به زیبایی و لطافت خاصی در اشعار احمد محرم شده است. عامل جناس در شعر وی یکی از مشخصات موسیقایی استفاده شده در ساختار دیوان «مجد الإسلام» به شمار می‌آید که از طریق هم‌آوایی در ابیات از یک‌سو به انسجام کلام و از سوی دیگر به ایجاد جنبه‌های زیباشناسی سخن منجر شده است.

٢ .٥. تکرار

جادوی مجاورت یکی از شگردهای ادبی و بلاغی به شمار می‌آید که گاهی از طریق کاربست همانندی‌ها و تکرارهای آوایی به منظور ایجاد کارکردهای معنایی تحقق می‌یابد. کارکرد معنایی یعنی اتحاد معنایی و انسجام بخشیدن به کلام که از طریق همانندی صوی میان کلمات به وجود می‌آید. (شفیعی کدکنی، ١٣٩١: ٤٠٩). تکرار یکی از عناصر سبک‌ساز به شمار می‌آید که موجب وحدت و انسجام قصیده و افزایش موسیقی آن می‌شود. شاعر از طریق این روش به قدرت القای عواطف، انتقال پیام خویش و تصویر آفرینی آن می‌افزاید (جمشیدی و همکاران، ١٣٩٩: ٨).

تکرار نه تنها در شعر شاعران گذشته ادبیات عربی به کار رفته؛ بلکه در اشعار شاعران معاصر نیز این روش به گونه‌ای متمایز به کار می‌رود. این روش در شعر شاعران معاصر به شکل‌های گوناگون همراه با مفاهیم فراوان نمود می‌یابد (ناصر عاشور، ٢٠٠٤م: ٣٨)؛ چرا که آن‌ها بر این باورند که تکرار علاوه بر غنای معنا، سبب اصالت معنا نیز می‌شود (همان: ١١). این رویکرد یکی از ابزارهای زیباسازی متن به شمار می‌آید که در تصویرسازی کمک شایانی به شاعر می‌کند. تکرار بیانگر اهمیت و تأکید بخشی از متن است. از طریق تکرار مفاهیم به غنا می‌رسند و ساختار شعری رشد می‌کند (سعید الجبار، ١٩٨٤م: ٤٧).

احمد محرم در بیت زیر این‌گونه از جادوی مجاورت در چارچوب صنعت ادبی تکرار استفاده کرده است:

نصرٌ علی نصر وفتحٌ بعده فتحٌ یغیظ المشرکین محجُّل (محرم، ۲۰۱۱م: ٤٨).

تکرار واژه‌های «نصر» و «فتح» در این بیت موسیقی خاصی را به سخن احمد محرم بخشیده است. موسیقی‌ای که منجر به هم‌نوایی واژگان شده است. کارکرد جادوی مجاورت در این بیت آن است که احمد محرم بر مفهوم پیروزی مسلمانان تأکید کند و آن را به گونه‌ای مطلوب در ذهن مخاطب مجسم نماید. او از طریق تکرار به این مفهوم اشاره می‌کند که یاری و پیروزی مسلمانان سبب خشم مشرکان شده است. تکرار در این بیت نه تنها سبب وحدت و انسجام در ساختار این بیت شده است؛ بلکه به افزایش بار معنایی آن نیز انجامیده است. احمد محرم در این بخش از اشعار خویش بنا به حفظ موسیقی کلام از رویکرد جادوی مجاورت در چارچوب تکرار استفاده کرده است.

لازم به ذکر است که احمد محرم در یکی از ابیات پیش از این بیت با صراحت به این موضوع اشاره می‌کند که مسلمانان به پیروزی دست می‌یابند و این پیروزی است که خداوند آنان را یاری رسانده است و با نوری تابان که هرگز خاموش نمی‌شود آن‌ها را پشتیبانی کرده است. وی در این بیت می‌گوید:

الله أیّدکم به وأمدّکم منه بنور ساطع ما یأفل (همان)

قبیله‌های اوس و خزرج از قبایل بزرگ مدینه در دوران هجرت پیامبر (ص) به شمار می‌آیند. جنگ‌های گوناگونی میان این دو قبیله رخ داده است. اما با وجود اختلافات میان آن‌ها، پیامبر (ص) توانست میان آن‌ها الفت ایجاد کند. احمد محرم در قصیده‌ای با عنوان «بین الخزرج والمهاجرین» به نبرد میان قبیله اوس و خزرج اشاره می‌کند. وی می‌گوید:

هفت السُّیوف إلی السُّیوفِ وأوشکت صُمُّ الرِّماحِ علی الرِّماحِ تقصَّف (همان: ١٤٩). تکرار اسم

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جادوی مجاورت در این بیت در چارچوب تکرار اسم نمود یافته است. واژه‌های «**السّیوف**» و «**الرّماح**» تکرار شده است. احمد محرم با بهره‌گیری از تکرار به توصیف صحنه جنگ می‌پردازد. صحنه‌ای که شمشیرها به روی یکدیگر می‌لغزیدند و نیزه‌ها نیز در هم می‌شکنند. فعل مضارع «تقصف» بیانگر استمرار تجددی است و شاعر از این فعل استفاده کرده است تا استمرار در هم شکسته شدن نیزه‌ها را به خوبی بیان کند. لازم به ذکر است که افزون بر تکرار واژه‌های بیان شده، تکرار حروف «سین»، «راء» و «فاء» نیز بر موسیقی این بیت اضافه کرده است.

احمد محرم با تدبر، واژگان شعر خویش را گزینش نموده و به موسیقی آن‌ها توجه بسیاری دارد. حرف «سین» نشانهٔ امتداد، استقرار، صوت، خفا، انتشار، استقرار، نرمی، نجوای پنهان، روانی و قطع شدن است (عباس، ۱۹۸۹م: ۱۰۹). صامت «راء» حاکی از تکرار، سستی، لرزش، خشونت، اضطراب، حرکت پیاپی، حرارت و زیبایی است (همان: ۸۲). حرف «فاء» نیز بیانگر تباعد، قطع و فصل، گستردگی و حفر است (همان:۱۳۱). تکرار و آهنگ موجود در واژه‌ها و حروف در شعر احمد محرم، هماهنگی و نظام آوایی خاصی را ایجاد کرده است. شاعر توانسته از رهگذر جادوی مجاورت در قالب تکرار، معناهای جدید را با توانمندی بیشتری به مخاطب منتقل کند. حرف «سین» در این بیت بیانگر پایان یافتن ضربات شمشیرها و لرزش آن‌ها است. حرف «راء» نشانگر سستی و لرزش نیزه‌ها و حرف «فاء» نیز بیانگر خاتمه یافتن نبرد است.

از آنجا که تحلیل همه ابیاتی که در آن‌ها تکرار استفاده شده است در این مجال نمی‌گنجد در جدول زیر نمونه‌های دیگری از تکرار در شعر احمد محرم ارائه شده است:

وقام بالسّیف دون اللّیث صاحبه	یذوذ عنه وعزَّ اللّیث والأجم (همان: ۷۸). تکرار اسم
عليٌّ والزبير لكلّ عضب	صقيل منها عضب صقيل (همان: ۱۸۲). تکرار اسم
فطافوا وصلُّوا وخفُّوا معًا	إلى الرّكن يغشَونه والحجر (همان: ۲٦۲). تکرار فعل‌های ماضی
ترمي الجلامد والحديد بقوة	تمضي فتصدع ما تشاء وتقصف (همان: ۳۹۹). تکرار فعل‌های مضارع
يا أبا سفيان أنصت واستمع	ثمّ أنصت وانّئد ثم انّئد (همان: ۱۲۳). تکرار فعل‌های امر
ها هنا ها هنا يطيب المقام	هذه يثربٌ وهذا الإمام (همان: ۳۸۹). تکرار عبارت
ما رأينا كالمطعم بن عدي	جافيًا واصلًا هيوبًا جسورا (همان: ۱۵) تکرار حال

تکرار در حماسه «مجد الإسلام» به گونه‌های تکرار اسم، فعل‌های ماضی، مضارع و امر، تکرار عبارت و حال نمود یافته است. تکرار در اشعار احمد محرم شعر را به اوج لذت موسیقایی نزدیک می‌سازد. وی با بهره‌گیری از این شگرد هنری از یک سو مفاهیم را با قوت بیشتری بیان کرده است و از سوی دیگر توانسته صحنه‌های نبرد را به خوبی در ذهن مخاطب ترسیم نماید.

۲ .٦.مراعات النظیر

مراعات‌النظیر بیانگر هم‌نشینی واژه‌هایی است که در یک دایره معنایی قرار دارند و در محور همنشینی عمل می‌کنند. آهنگ و هماهنگی بین بخش‌های شعر یکی از ویژگی‌های آثار ادبی است. انتخاب واژه‌ها در انتقال مفاهیم موردنظر شاعر به مخاطب مؤثر است (قربان‌زاده و تقوایی، ۱٤۰۲: ۸۳). صنعت ادبی مراعات‌النظیر به وسیلهٔ هم‌آوایی موسیقایی و واژگانی، آهنگی دل‌نشین را به عبارات به‌کاررفته در اشعار احمد محرم بخشیده است. در بیت زیر این شگرد هنری باعث پیوستگی عبارات و حفظ پیوند میان واژه‌ها شده است. همنشینی صحیح واژه‌ها این‌گونه عرصه را برای تمایز سبک احمد محرم فراهم نموده است:

جئتَ ترمي عُبابُه بعُبابٍ	راح يطوي سُيولهُ وَالبحورا (همان: ۱۳).

احمد محرم به‌منظور تبیین بهتر معناهای موردنظر از همنشینی واژه‌های «**عبابه**»، «**سیوله**» و «**البحورا**» در قالب مراعات‌النظیر بهره جسته است. وی با استفاده از این روش علاوه بر چینش عناصر همانند، وحدت و تناسب را در شعر خویش پدید آورده است. احمد محرم به وسیلهٔ استفاده از جادوی مجاورت در چارچوب مراعات‌النظیر صحنه دریای مواج را به‌خوبی در ذهن مخاطب ترسیم نموده است.

نمونه‌های دیگری از کاربست هنری مراعات‌النظیر در شعر وی در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

ما لدى «اللات» أو «مناة» أو «العز	ى» غَنَاءٌ لمن يقيسُ الأمورا (همان: ۱٤).
راكعًا ساجدًا يسبّح مولا	ه ويُزجي التهليل والتكبيرا (همان: ۱۷).

نال منها محلة لم ينلها صوت داود حين يتلو الزبورا (همان: ١٧).

عقلت بمقتلها السِّهام وما عسى يبقى الرَّميُّ إذا أصيب المقتل؟ (همان: ٤٢).

عنتِ الوجوه فراكع متخشِّع يخشى الإله وساجد متبتِّل (همان: ٤٧).

ما في جهادک أمَّ زيدٍ ريبةٌ نار الوغى احتدمت وأنت الجحفل (همان: ٣٩).

بينا يحيد عن السهام أصابه نبأٌ تصاب به السهام فتجرح (همان: ٥٨).

هنا العدل والسماحة والإحســـ ـان أعظم بذا المقام مقاما (همان: ٦٨).

عاد رتقًا كأنّه سد يأجو ج ومأجوج ما ترى فيه ثلما (همان: ٢٢٣).

أبيا اصطناع الرأي في وهج الوغى لم تصطنعه قواضب وحراب (همان: ١٦٩).

يبثُّ الوجدَ مبتئس حزين وتذري الدمع والهة ثكول (همان: ١٨١).

والمؤمناتُ الصالحاتُ كأنّما فيهن سارة والرضية مريم (همان: ٢٠٨).

لنعم الزّرع زرعک حين تبغي جناه وحين يُدركه الحصاد (همان: ٣٠٠).

ولِع الرماة بهم فتلک سهمامهم ملء القسيِّ إلى النّحور تصوَّب (همان: ٣٠٢).

كرهوا السُّيوف وللوغى أبطالها فكأنّها بدم الرماة تُخضَّب (همان: ٣٠٢).

پس از بررسی ابیات فوق، به‌نوعی از تناسب‌های درونی به وجود آمده از رهگذر مراعات‌النظیر می‌توان دست‌یافت که بدیع و تازه هستند؛ بنابراین از ارزش هنری برخوردار هستند. احمد محرم مراعات‌النظیر را برای آفرینش تناسب هنری در شعر خویش به روشی شگفت‌انگیز به کار گرفته است. او از طریق این صنعت ادبی عمل ترکیب بر روی محور همنشینی را در ابیات مذکور انجام داده است. مراعات‌النظیر سبب تقویت موسیقی و به دنبال آن زیبایی شعر وی شده است. می‌توان گفت این شگرد هنری در این ابیات تبدیل سبب انسجام و وحدت معنایی نیز شده است.

٢ .٧. واج‌آرایی

ناقدان عرب از روابط پنهان میان لفظ و معنا آگاهی داشتند و بر هماهنگی میان آن‌ها تأکید می‌کردند به‌گونه‌ای که الفاظ ظریف، نرم و ملایم به‌منظور بیان معنای ظریف و الفاظ فصیح و محکم برای اشاره به معناهای متین و قوی استفاده می‌شود. زبان عربی از الفاظ بسیاری برخوردار است که آواها و صداهای موجود در آن‌ها به ایجاد موسیقی در کلام می‌انجامد (غریب، ١٣٧٨: ١٥). یکی از مشخصات جادوی مجاورت به‌کارگیری موسیقی درونی است که با تکرار حروف (واج‌آرایی) نمود می‌یابد. در بیت زیر ایجاد موسیقی از طریق تکرار حروف «عین»، «صاد» و «راء» نمود یافته است. همگونی واژه‌ها از طریق موسیقی برخاسته از تکرار حروف موجب پدیدار شدن جادوی مجاورت شده است.

جنود ربّک إن قلت اعصفوا عصفوا يرمون في الحرب إعصاراً بإعصار(محرم،٢٠١١: ٥١).

شایان‌ذکر است که حرف «عین» بیانگر «صوت، عیوب روحی و جسمی، احساسات انسانی، نرمی، بروز، چیرگی، صلابت، علوّ و صوت» (عباس، ١٩٩٨م: ٢٠٣) است. احمد محرم با بهره‌جستن از تکرار حرف «عین» موسیقی شعر خود را غنی‌تر کرده است و بدین وسیله صلابت و شدّت صحنه‌های جنگ را در ذهن مخاطب ترسیم نموده است. تکرار این صامت در این بیت موسیقی خاصی را به کلمات بخشیده است. همان‌گونه که اشاره شد الفاظ فصیح و محکم

برای اشاره به معناهای متین به کار می‌روند. در این بیت نیز احمد محرم به شیوه‌ای مبتکرانه در فعل‌های «**اعصفوا**» و «**عصفوا**» و واژه‌های «**إعصاراً**» و «**بإعصار**» اقدام به تکرار حرف «عین» نموده است.

حرف «صاد» بیانگر «شیرینی، شدّت، پاکیزگی و صفا» (همان: ١٤٧) است. در این بیت تکرار حرف «شین» بیانگر شدّت یافتن و اوج گرفتن آتش جنگ است. حرف «راء» بیانگر «حرارت، زیبایی، تحرک، نرمی، تکرار و اضطراب» (همان: ٨٢) است. احمد محرم به‌منظور تبیین حرارت و تحرک حاصل از جنگ از حرف «راء» بهره جسته است. وی با کاربست صنعت ادبی واج‌آرایی افزون بر القای بهتر مضامین به دل‌نشین کردن متن از طریق ویژگی‌های آوایی سخن، پرداخته است. تکرار حروف در این بیت منجر به پیوستگی کلام، حفظ ارتباط میان واژه‌ها و حفظ وزن و تناسب شده است.

از آنجا تحلیل همه نمونه‌های واج‌آرایی در این جستار نمی‌گنجد در جدول زیر به ذکر نمونه‌های دیگری از کاربست واج‌آرایی در شعر احمد محرم بسنده می‌شود:

منطق القدرة التي ترهق القا	در عجزًا والعبقري قصورا (محرم، ٢٠١١م: ١٣). واج‌آرایی «قاف»
نقطع البيد بعد صحب كرام	قطعوا غارب العباب عبورا (همان). واج‌آرایی «عین» و «ب»
لَمَّا حملت الحقَّ أجمع والهدى	أمسى بحبل اللهِ حبلكِ يوصل (همان: ٣٨). واج‌آرایی «ح»
يرمي العروش إذا استعصت ويبعثها	مبثوثةً في جناحي عاصفٍ ذار (همان: ٥٠). واج‌آرایی «ث»
لهم دمهم والدين والمال ما وفوا	فإن غدروا فالسّيف وافٍ مساعف (همان: ٥٤). واج‌آرایی «ف»
ذهبوا وأخلفهم رجاء زلزلوا	فيه فزال كما يزول الضحضح (همان: ٦١). واج‌آرایی «ز» و«لام»
اليوم توردها الدِّماء فترتوي	وتردها نشوى المتون فتقرح (همان: ٥٨). واج‌آرایی «ت»
بعث الأسطولَ في آياتِه	جائلًا يُعيي الأساطيل اصطيادا (همان: ٧١). واج‌آرایی «ط»
وأظلم النّاس من ظنّ الظّنون به	ما كلّ ذي نشوة في النّاس متهم (همان: ٧٨). واج‌آرایی «ظ»
طال القتال فما للقوم إذ دلفوا	إلّا البلاء وإلّا الهول يرتكم (همان: ٧٨). واج‌آرایی «لام»
تلقّى صيحة الحق الصّراح	فقام يصيح من كلّ النّواحي (همان: ٩٥). واج‌آرایی «صاد»
أَأَبَيُّ أين العودُ والعلف الذي	أعددته وجعلته لطعامه؟ (همان: ١١٨). واج‌آرایی «عین»
غارة الله على أعدائه	تتوالي مددًا بعد مدد (همان: ١٢٣). واج‌آرایی «دال»
وكنت أسرى فككتِ وكم سبايا	رددتِ إلى الخدور بلا فداء (همان: ١٤٧). واج‌آرایی «كاف» و «لام»
جهجاه ما لك هجتها مذمومة	هوجاء لولا الله ظلّت تعصف؟ (همان: ١٤٩). واج‌آرایی «جیم»، «هاء» و «لام»

ما جلَّ مدَّخر فخيم شأنه إلّا الّذي اذخروا أَجلَّ وأفخم (همان: ۲۱۲). واج‌آرایی «خ»

یکی از عوامل سبک‌ساز حماسه «مجد الإسلام» توجه بسیار احمد محرم به کاربست واج‌آرایی است و چه‌بسا این شگرد هنری یکی از ویژگی‌های موسیقایی اشعار وی به شمار می‌رود که توجه مخاطب را از همان ابتدا به خود جلب می‌کند. هماهنگی آوایی و انسجام کلماتی که در آن‌ها واج‌آرایی به‌کاررفته به دلیل توانمندی زبانی و قدرت کلامی احمد محرم انجام‌شده است تا بتواند مفاهیم حماسی را به‌خوبی به مخاطب منتقل کند. پدیده واج‌آرایی در آفرینش زیبایی آوایی و موسیقایی حماسه «مجد الإسلام» نقش اساسی دارد. احمد محرم از رهگذر حروف و آواها به‌عنوان عاملی برای ترسیم و تجسیم معناها در ذهن مخاطب بهره می‌گیرد. تکرار حروف از جمله جنبه‌های موسیقایی و هنری این اثر حماسی است که به‌گونه‌ای چشمگیر در بیشتر اشعار حضور ویژه‌ای دارد و احمد محرم بدین وسیله اغراض خویش را بیان می‌کند.

۲. ۸. تضاد

شگرد هنری «تضاد در ایجاد موسیقی و هماهنگی کلام مؤثر واقع می‌شود. چه‌بسا این موسیقی به شکل مستقیم قابل‌فهم نباشد؛ امّا با اندکی درنگ و برقراری پیوند تضاد میان کلمات تأثیر می‌نهد» (هدارة، ۱۹۹۰م: ۱۰٦). احمد محرم با کاربست هنری کلمات متضاد، تناسب و توازن چشمگیری را در میان عبارات و جملات خود پدید آورده و موسیقی داخلی اشعار خود را مستحکم نموده است، به‌طوری‌که ذهن مخاطب نه‌تنها با شنیدن آن‌ها دچار خستگی نمی‌شود؛ بلکه به جوش‌وخروش درمی‌آید. احمد محرم در بیت زیر این‌گونه برای خلق موسیقی در کلام خویش از تضاد استفاده کرده است:

وما يستوي البحران هذا مذاقه أجاج وهذا طعمه سائغ عذب (محرم، ۲۰۱۱م: ۳۹۷).

کاربست جادوی مجاورت در چارچوب آرایه ادبی تضاد موجب اتحاد معنایی و انسجام در این بیت شده است. احمد محرم با استفاده از تضاد، واژه‌های دور از هم را به روشی هنرمندانه در کنار هم چیده است و بدین ترتیب فاصله آن‌ها را بسیار کمرنگ نموده است و از طریق همنشینی کلمات متضادِ «**أجاج**» و «**سائغ عذب**»، دو دریای متفاوت را در ذهن مخاطب ترسیم نموده است که آب یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ است. وی بدین وسیله با بهره‌گیری از آیه ۱۲ سوره فاطر ﴿**وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ**﴾ بر قدرت خداوند تأکید می‌کند که این دو دریا را به گونه‌ای خلق کرده است که با اینکه کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند به یکدیگر متصل هستند و آب آن‌ها با وجود مختلف بودن طعم‌شان با یکدیگر مخلوط نمی‌شود. لازم به ذکر است که منظور از «**بحران**» در واقع دین و شر در بیت قبل از این بیت است. وی وحدت معنایی را با کاربست صنعت تضاد پدید آورده است که بر موسیقی معنایی تأثیر می‌گذارد.

نمونه‌های دیگری از کاربست تضاد در شعر احمد محرم در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

رحمةُ الله والسَّلامُ عليكم	آل عوفٍ كبيرِكم والصَّغيرا (همان: ۳۵).
دنيا من العجبِ العجابِ ودولةٌ	يهوي النُّضار بها ويعلو الجندل (همان: ۳۸).
يجود بالدّم والآجال ذاهلة	ويبذل المال في يسر وإعسار (همان: ۵۰).

اللهُ أَلَّف بين المؤمنين فهم في الحرب والسِّلم صف ليس ينقسم (همان: ٧٨).

ويتوب جاهلهم إلى دين الهدى والنور من دين العمى وظلامه (همان: ١١٨).

در ابیات فوق میان واژه‌های مشخص شده تضاد مشاهده می‌شود. احمد محرم از تضاد برای آفرینش تصاویر زیبای متقارن و متناظر و ایجاد موسیقی در کلام بهره گرفته است. وی با کاربست هنری کلمات متضاد، تناسب و توازنی ملموس را میان عبارات و جملات به وجود آورده است و موسیقی درونی ابیات را استحکام بخشیده است. لازم به ذکر است که بیشترین بسامد تضاد در این اثر حماسی از نوع تضاد میان دو اسم است و آهنگی خاص را به کلام احمد محرم بخشیده است. تضاد در اشعار وی نوعی تکرار معنوی را ایجاد می‌کند که در موسیقی ابیات مؤثر واقع می‌شود.

۲. ۹. مقابله

احمد محرم با بهره‌گیری از شگرد هنری مقابله، تصاویری متضاد و متفاوت را در ساختاری زیبا و موزون ترسیم می‌کند به‌طوری‌که مخاطب با صحنه‌های متقابل رویارو شده و تحت تأثیر هماهنگی صوتی بین آن‌ها قرار می‌گیرد و روی واژه‌ها درنگ می‌کند و بار دیگر به‌مرور واژه‌ها در ذهن خویش می‌پردازد و بدین ترتیب مفاهیم و معناهای متضاد در ذهن وی منتقل می‌شود و لذتی معنوی را احساس می‌کند. وی در بیت زیر این‌گونه از مقابله برای تأثیرگذاری بیشتر کلامش بر مخاطب بهره می‌گیرد:

جاء الغياث فدين الله منتصر عالي اللواء ودين الشرك منهزم (همان: ٧٩).

جادوی مجاورت در چارچوب مقابله در محور همنشینی کارکرد معنایی را به شعر احمد محرم می‌بخشد. شایان ذکر است که مقصود از کارکرد معنایی، بخشیدن اتحاد و انسجام معنایی به کلام است که در پی کلماتی ایجاد می‌شود که ازنظر معنایی از یکدیگر دور هستند؛ اما ازلحاظ آوایی میان آن‌ها همانندی مشاهده می‌شود. چینش هنرمندانه کلمات توسط احمد محرم به آفرینش مقابله در این بیت منجر شده است که به دنبال آن در کلام انسجام ایجاد می‌شود. در این بیت احمد محرم با چیدمان مبتکرانه واژه‌ها و کاربست صنعت ادبی مقابله از طریق واژه‌های «**دین الله**»، «**منتصر**»، «**دین الشرک**» و «**منهزم**»، نقش بسزایی در آفرینش موسیقی کلام ایفا می‌کند. وی بدین وسیله بر فانی بودن شرک و ماندگاری دین اسلام تأکید می‌کند.

در جدول زیر نمونه‌های دیگری از کاربست مقابله در اشعار احمد محرم ارائه شده است:

السَّهل يصعب إن تواكلت القوى	والصَّعب إن مضت العزائم يسهل (همان: ٤١).
خير على خير يضمُّ ركامه	شرٌّ على شرٍّ يضمُّ ويركم (همان: ٢١٣).
للبغي حينٌ ثمّ يقصم صلبه	والعدلُ صلبٌ قائمٌ ما يُقصم (همان: ٢١٤).
أيُّ حقٍّ ذلَّ في سلطانه؟	أيُّ زورٍ عزَّ في الدُّنيا وسادا؟ (همان: ٧١).
إذا ما تردّى في الضلالة جاهل	فما عذر من يأبى الهدى وهو عارف؟ (همان: ٥٤).
ولا الموت مكروه على العزّ وِرده	ولا العيش مورود إذا خيف إذلال (همان: ١٣٤).
وراح يلقاه والإسلام مبتسم	والشّرك متّسم بالحزن مرتجف (همان: ٤٢٣).

صنعت ادبی مقابله در حماسه «مجد الإسلام» حضوری پررنگ دارد. مقابله از جمله الگوهای صوتی به شمار می‌رود که در شکل‌گیری نظام‌های آوایی در شعر احمد محرم نقش بسزایی دارد. او با بهره جستن از مقابله به آفرینش تصاویر برجسته پرداخته است و بدین ترتیب زمینه را برای ایجاد سبکی متفاوت فراهم کرده است. احمد محرم به دور از تکلف از این نوع از موسیقی درونی در شعر خویش استفاده می‌کند. او با همنشینی دقیق واژه‌ها، سخنی بی‌نظیر را خلق کرده است. در ابیات بالا تقابل میان واژه‌های خیر و شر، ظلم و عدل، گمراهی و هدایت، مرگ و زندگی، سربلندی و خواری، اسلام و شرک، تبسم و لبخند، تصاویری زیبا را به وجود آورده است به‌طوری‌که مخاطب تحت تأثیر این صحنه‌ها و تناسب آوایی میان آن‌ها قرار می‌گیرد و بر روی آن‌ها درنگ کرده و بار دیگر این کلمات را در ذهن خویش مرور می‌کند تا مفاهیم و معانی متضاد در ذهن وی تداعی گردد و این لذتی معنوی را برای او ایجاد می‌کند.

۲. ۱۰. استعاره و کنایه

واکاوی شگردهای هنری مانند کنایه، استعاره و تشخیص در سخن نویسندگان و شاعران به تفاوت‌های معناداری در سبک نویسندگان و شاعران می‌انجامد. در واقع ذهنیت و دیدگاه شخصی در گزینش واژگان در استعاره و کنایه و چگونگی جانشینی عناصر آن با هم موجب تنوع سبک نویسنده یا شاعر می‌شود. صنایع هنری نقش بسزایی در کیفیت ادبی زبان ایفا می‌کنند. شخصی‌سازی زبان در پی کاربست صنایع بلاغی تجلّی می‌یابد. احمد محرم در محور جانشینی این‌گونه عمل کرده است:

الشَّرُّ غَطَّى أديم الْأَرض فارتكست أقطارها بين آثامٍ وأزوار (همان: ۵۰).

احمد محرم در مصرع نخست برای ایجاد جادوی مجاورت در محور جانشینی از استعاره بهره گرفته است. گزینش صحیح واژه‌ها در محور جانشینی در این بیت نه‌تنها به استعاره منجر شده؛ بلکه به دنبال آن انسجام درونی در شعر وی ایجاد شده است. لازم به ذکر است که کارکرد معنایی استعاره، القای مفاهیم مورد نظر شاعر از طریق به‌کارگیری واژه مترادف و جانشین کردن آن است. در عبارت «**الشَّرُّ غَطَّى أديم الْأَرض**» استعاره مکنیه به کار رفته است؛ چرا که «شر» استعاره از گیاهی است که سطح زمین را می‌پوشاند. احمد محرم برای اینکه شدّت فراگیری شر و پلیدی در زمین را به‌خوبی در ذهن مخاطب ترسیم نماید آن را به گیاهی همانند کرده و یکی از لوازم آن یعنی پوشاندن را ذکر کرده است.

احمد محرم در حماسه «مجد الإسلام» این‌گونه از جادوی مجاورت در قالب کنایه بهره می‌جوید:

الحرب تُوضَع بيننا أوزارها وتعود إن جمع الحجيجَ الموسمُ (همان: ۲۱۲).

احمد محرم در این بیت از جادوی مجاورت در قالب کنایه استفاده کرده است. مصرع اول کنایه از پایان‌یافتن جنگ است؛ چراکه جنگجویان هنگام پایان جنگ، سلاح‌های خویش را کنار گذاشته و از جنگ دست برمی‌دارند این عبارت در آیه ٤ سوره محمد نیز آمده است. خداوند بلندمرتبه در بخشی از این آیه فرموده است: ﴿**حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا**﴾. شایان‌ذکر است که مخاطب این آیه، امّت‌های مسلمان در دوره‌های گوناگون است؛ چراکه هنگامی‌که کافران با مسلمانان به نبرد برمی‌خیزند، وظیفه مسلمانان این است که مبارزه به آن‌ها را تا زمان خلع سلاح ادامه بدهند. احمد محرم با استفاده از کنایه و بهره‌گیری از آیه بیان‌شده افزون بر القای بهتر مضامین، اقدام به دل‌نشین کردن سخن خویش نموده است.

دعا سفهاءهم فمشوا إليه وما التفَّتْ لهم ساق بساق (همان: ٤٠٩).

در مصرع دوم این بیت به آیه ۲۹ سوره قیامت اشاره شده است که در آن به در هم پیچیده شدن دنیا با آخرت پرداخته‌شده است. «**التفّ**» از ماده «**لفف**» گرفته شده که در اصل بیانگر در هم پیچیده شدن یا ضمیمه شدن دو چیز (ابن زکریا، ۲۰۰۱م، ج۵: ۲۰۷) و به بیانی دیگر به معنای گرد هم آمدن است به‌گونه‌ای که با در هم پیچیدن همراه نباشد (المصطفوی، ۱۳۹۳، ج ۱۰: ۲۱٦). در آیه ١٦ سوره نبأ واژه «**الفافًا**»، در آیه ١٠٤ سوره إسراء واژه «**لفيفًا**» و در آیه ۲۹ سوره قیامت این واژه به‌کاررفته است. شایان‌ذکر است که هر انسانی مراحل گوناگونی را در زندگی خویش پشت سر می‌نهد. مرحله پیش از دنیا، در دنیا و پس از دنیا. وی برای وارد شدن به هر مرحله‌ای باید مقدماتی را فراهم کند. قرآن کریم حالت انسان‌هایی را که به آموزش‌های الهی بی‌توجه هستند در هنگام جان دادن و در جهان آخرت، اسفناک وصف می‌کند. در واقع انسان هنگام جدایی از دنیا ساق پاهایش به یکدیگر می‌پیچد. مقصود از پیچیده شدن ساق‌ها، پیچیدگی امور آخرت با امور دنیا و سختی جان دادن و هم‌چین شدت ترس از قیامت است. هنگامی‌که روح انسان به گلوگاه وی می‌رسد، حیات جاری و زندگی در اطراف بدن را از دست می‌دهد. اصطلاح پیچیده شدن ساق کنایه از ورود پی‌درپی مشکلات و چیرگی آن‌ها بر انسان است؛ چراکه از هنگام مرگ تا روز قیامت، مشکلاتی پشت سر هم او را فرامی‌گیرند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰: ٦٠٦؛ طباطبایی، ١٤١٧ق، ج۲۰: ۱۱۳). احمد محرم در این بیت با استفاده از صنعت ادبی کنایه کلام خویش را برجسته ساخته و بر بار معنایی آن افزوده است.

در جدول زیر به نمونه‌های دیگری از کاربست جادوی مجاورت در شعر احمد محرم در قالب استعاره، تشخیص و کنایه پرداخته می‌شود:

ما العبقرية في مراتبها العلى؟	هو في سماء العبقرية كوكب (همان: ۳۰۳). استعاره
هنالک قوم یا این حرب کأنَّهم	إذا عصفت ريح الكريهة أغوال (همان: ۱۳۳). استعاره
تمسَّک من قول این عمرو بموثق	وطارت به في الجوِّ هوجاء مجفال (همان: ١٣٤).کنایه
تزوَّدَ منه کنزًا لیس یفنی	تزود دعوة سعدًا وتيمينا
لئن خاضت غمار الموت ظمأی	لقد عرفت مشاربه العِذابا (همان: ٢٢٦). عبارت غمار الموت ظمأی: تشخیص
إنّ الّذي جعل الإسلام معقله	أعلى لأمّته الأركان والسقفا (همان: ۲۹۰) معقل: استعاره مصرحه از دین اسلام
حيًّا الشمائل کالخمائل فالرّبی	تبدي البشاشة والخمائل تطرب (همان: ٣٩٤). الخمائل تطرب: صنعت تشخیص
أ غَرَّكِ نُجْرٌ بيدي شقّيٍّ؟	وما يدريک أيكما السَّعيد (همان: ٤٤٣) تشخیص

پس از واکاوی ابیات بالا مشخص شد که گزینش صحیح واژه‌ها توسط احمد محرم در محور جانشینی به وسیله استعاره، کنایه و تشخیص منجر به ایجاد انسجام درونی شده است. لازم به ذکر است که کارکرد معنایی استعاره، تشخیص و کنایه در شعر وی بیانگر القای مفاهیم مراد شاعر از طریق به‌کارگیری مترادف و جانشین آن است.

نتیجه

پس از بررسی جادوی مجاورت در حماسه «**مجد الإسلام**» نتایج این پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:
جادوی مجاورت به دنبال محورهای همنشینی و جانشینی و کاربست درست کلمات برای ایجاد معنا و موسیقی کلام به وجود می‌آید. احمد محرم در محور هم‌نشینی از شگردهای ادبی مانند جناس، سجع، تکرار و واج‌آرایی و در محور جانشینی از استعاره، تشخیص و کنایه بهره جسته است. وی به وسیلهٔ تضاد میان واژه‌های دور از هم به روشی هنرمندانه آن‌ها را در کنار هم قرار داده است و فاصله میان آن‌ها را کم کرده است. وی وحدت معنایی را با کاربست صنعت تضاد پدید آورده است که بر موسیقی معنایی تأثیر می‌گذارد. واج‌آرایی موسیقی خاص و دل‌نشینی را به کلام احمد محرم بخشیده است. یکی از مشخصات جادوی مجاورت به‌کارگیری موسیقی درونی است که با تکرار حروف نمود می‌یابد. تکرار حروف، کلمات و فعل‌ها موسیقی دل‌نشین و خاصی را به اشعار احمد محرم بخشیده است. همگونی واژه‌ها از طریق موسیقی برخاسته از واج‌آرایی موجب پدیدار شدن جادوی مجاورت در شعر وی شده است. الفاظ فصیح و محکم برای اشاره به معناهای متین به کار می‌روند احمد محرم به شیوه‌ای مبتکرانه اقدام به استفاده از این واژگان در حماسه «مجد الإسلام» استفاده کرده است. واکاوی شگردهای هنری مانند کنایه، استعاره و تشخیص در سخن نویسندگان و شاعران سبب تفاوت‌های معناداری در سبک نویسندگان و شاعران می‌شود. در واقع ذهنیت و دیدگاه شخصی در گزینش واژگان در استعاره و کنایه و چگونگی همنشینی عناصر آن با هم موجب تنوع سبک نویسنده یا شاعر می‌شود. گزینش صحیح واژه‌ها در اشعار احمد محرم در محور جانشینی از طریق استعاره، کنایه و تشخیص موجب ایجاد انسجام درونی شده است. لازم به ذکر است که کارکرد معنایی استعاره در شعر وی القای مفاهیم مراد شاعر از طریق به‌کارگیری مترادف و جانشین آن است. کاربست جادوی مجاورت علاوه بر ایجاد جنبه‌های زیبایی‌شناسیک به سبکی منحصر به فرد در حماسه احمد محرم انجامیده است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. احمدی، بابک. (۱۳۸۵). **ساختار و تأویل متن**. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز.
۲. برتنس، هانس. (۱۳۹٤). **مبانی نظریه ادبی**، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
۳. الجندی، علی. (۱۹٥٤م). **فن الجناس**. القاهرة: دار الفكر العربي.
٤. ابن زكريا، ابي حسين أحمد بن فارس. (۲۰۰۱م). **معجم مقاييس اللغة**. ج ٥. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٥. سجودی، فرزان. (۱۳۸۰). **ساختگرایی و پسا ساختگرایی مطالعات ادبی**، تهران: سوره مهر.
٦. سعيد الجبار، مدحت. (۱۹۸٤م). **الصورة الشعرية عند أبي القاسم الشابي**. ليبي: الدار العربية للكتاب والمؤسسات الوطنية.
۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). **موسیقی شعر**. چاپ چهارم. تهران: آگاه.
۸. ----------. (۱۳۹۱). **رستاخیز کلمات**. تهران: سخن.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱٤۱۷ق)، **المیزان في تفسیر القرآن**. ج ۲۰، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طبرسی، فضل بن سهل، (۱۳۷۲). **مجمع البیان في تفسیر القرآن**. ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.

۱۱. ابن عاشور، محمد طاهر. (د.ت). **موجز البلاغة**. تونس: مطبعة التونسية.

۱۲. عباس، احسان. (۱۹۹۸م). **خصائص الحروف ومعانيها**. دمشق: منشورات اتّحاد كتّاب العرب.

۱۳. علی‌پور، مصطفی. (۱۳۷۸). **ساختار زبان شعر امروز**. چاپ چهارم. تهران: فردوس.

۱٤. غریب، رز. (۱۳۷۸). **نقد بر مبانی زیباشناسی و تأثیر آن در نقد عربی**. ترجمه نجمه روحانی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۱۵. الفار، مصطفی. (۲۰۰۷م). **شاعر احمد محرم؛ دراسة في حياته وشعره**. عمان: منشورات أمانة عمان الكبرى.

۱٦. فیضی، کریم. (۱۳۸۸). **صد سال تنهایی**. تهران: اطلاعات.

۱۷. قومی، مهوش. (۱۳۸۳). **آوها و القاء**. تهران: نشر هرمس.

۱۸. محرم، أحمد. (۲۰۱۱م). **ديوان مجد الإسلام**. مصر: كلمات عربية للترجمة والنشر.

۱۹. مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۸). **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**. ترجمه مهران مهاجر و محمدرضا نبوی. چاپ چهارم. تهران: آگاه.

۲۰. المصطفوي، حسن. (۱۳۹۳). **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**. ج ۱۰. قم: مركز نشر آثار العلامة المصطفوي.

۲۱. ناصر عاشور، فهد. (۲۰۰٤م). **التكرار في شعر محمود درويش**. عمان: دار الفارسي للنشر والتوزيع.

۲۲. هدارة، محمد مصطفی. (۱۹۹۰م). **في النقد الحديث**. بيروت: دار الكتب.

۲۳. جمشیدی، فاطمه، وصال، میمندی، فاطمه، قادری، رضا افخمی عقدا. (۱۳۹۹). «**نگاهی به سبک فردی «علی فوده» در سروده «بلال حبشی» با تکیه بر سطح زبانی آن**. فصلنامه زبان و ادبیات عربی. سال دوازدهم. شماره ۲. صص ۱-۲۰. Doi:10.22067/jallv12.i2.56241.

۲٤. جوادی، علی، حجت‌اله فسنقری، عباس گنجعلی، سید مهدی نوری کیذقانی. (۱٤۰۱). «بررسی و تحلیل کارکرد موسیقی در تصویرهای شعری حافظ برسی حلّی (نمونه‌های مورد مطالعه: مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام)». فصلنامه زبان و ادبیات عربی. سال چهاردهم، شماره ٤. صص ۱-۲۹. Doi:10.22067/jallv14.i482641

۲۵. زاد خوت، مینا، حیدر حسن‌لو. نزهت نوحی و حسین آریان. (۱٤۰۲). «بررسی جادوی مجاورت در مجموعة آیینه‌ای برای صداها سرودة شفیعی کدکنی». مجله مطالعات زبانی و بلاغی. شماره ۳. صص ۳۰۱- ۳۳٤.

۲٦. شفیعی کدکنی، محمدرضا و میترا گلچین. (۱۳۸۱). «جلوه‌هایی از جادوی مجاورت در مثنوی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ٤ و ۵. صص ۲۹- ٤۲.

۲۷. غفوری‌فر، محمد، مهدی خرمی و حسن شمس آبادی. (۱۳۹۵). «تحلیل سبک‌شناسی آوایی خطبه‌های نهج‌البلاغه»، زبان فصلنامه زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۵. صص ۱۲۳-۱۵٦.Doi: 1022067/jallv8.i15.48320

۲۸. قربان‌زاده، بهروز و سارا تقوایی. (۱٤۰۲). بررسی جلوه‌های آوایی دیوان «أحزان صحراوية». فصلنامه زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۳. صص ۷۹-۹۵.Doi: 1022067/jallv15.i3.2311-1342

۲۹. مختاری، قاسم و مژگان نصیری. (۱۳۹٤). «بررسی حماسه‌های اسلامی در شعر معاصر عربی». ادب عربی. شماره ۲. سال ۷. صص ۲٦۱-۲۷۹.

۳۰. نوروزی، یعقوب. (۱٤۰۱). «جادوی مجاورت در شعر شفیعی کدکنی». فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره سیزدهم. شماره ۵۳. صص ۱۸۳- ۲۰۸.

References

The Holy Quran

Abbas, H. (1998). *The Features of The Letters and their meanings*. Damassus: Publishers of the Union of Arabs Writers. [In Arabic]

Ahmadi, M.(1986). *The structure and interpretation of Text*. 12th edition. Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
Alipour, M. (1999). *The Language Structure of Today's Poetry*. 4th edition. Tehran: Ferdous. [In Persian]
Aljondi, A. (1954). *The art of Allitration*. Cario: Dar Al-Fikr Al-Arabi. [In Arabic]
Alfar, M .(2007). *Poet Ahmed Moharram*; *A study of his Life and Potery*. Omman: Greater Omman Municipality Publications. [In Arabic]
Al-Mostafavi, H. (2014). *Investigating The Words of The Holy Quran*, vol1. Qom: The center for Publishing the Works of Allamah Al-Mostafavi. [In Persian]
Ibn Ashur, M. *Summary of Rhetoric*. Tunisia: Tunisian Publishing House. [In Arabic]
Bertens, H. (2015). *The Basic of the Literary theory*. Translated by M. Abul-Qasimi. Tehran: Mahi. [In Persian]
Feizi, M. (2004). *Sounds and Inspiration*. Tehran: Hermes. [In Persian]
Gafourifar, M, Khorrami, M & Shams Abadi, H (2016). Analysis of the Phonetic stylistic of Nahj Al-Balagha Sermons. *Journal of Arabic Language and Literature,* 8(15), 123-156. [In Persian]Doi : 1022067/jallv8.i15.48320
Ghorbanzadeh, B & Taqvai, S. (2023). A Study of the Phonetic Peatures in the poems if "Taisir Saboull" Relying on the Poetry Book of "Desert Sorrows". *Journal of Arabic Language and Literature,* 15(3), 79-95.[In Persian] Doi: 1022067/jallv15.i3.2311-1342
Hadarah, M. (1990*). In Contemporary Criticicm*. Beirut: Dar-Alkutub. [In Arabic]
Gharim, R. (1999). *Criticism on Aesthetics and It's Impact on Literary Criticism*. Translated by N, Rohani. Mashhad: Ferdousi University. [In Persian]
Jamshidi, F. Meymandi, V. Ghaderi, F & Afkhami Aghda, R. (2020). A Look at the Style of "Ali Foudeh" in the poem "Bilal Habashi" Based on the Linguistic Level. *Journal of Arabic Language & Literature*, 12(2), 1-20. [In Persian] Doi:10.22067/jallv12.i2.56241.
Javadi, A. Fasanghari, H. Ganjali & Nuri Keyzaghani, M. (2022). Investigation and analysis of the music in the poetic images if Hafez Rajab Borsi Helli (Exampels studied: praises and dirges of Ahl al-Bayt, peace be upon them). *Journal of Arabic Language & Literature,* 14(3), 1-29. [In Persian] Doi:10.22067/jallv14.i482641
Makarik, I. (2009*). Encyclopedia of Contemporary Literery Theories*. Translated by M, Mohajer & M.R, Nabavi. 4th edition. Tehran: Agah. [In Persian]
Moharram, A. (2011). *Diwan Glory of Islam*. Egypt: Arabic Words for Translation and publishing. [In Arabic]
Mokhtari, Q. Nasiri, M. (2115). Study of Islamic Epics in Contemporary Arab Poetry *Arabic Liyerature*. 7(2), 261- 279. [In Persian]
Nasre Ashoor, F. (2004*). Repitition in Mahmoud Darvish*. Omman: Dar Al- Farsi for Publishing & Distribution. [In Arabic]
Norouzi, Y. (2023). The Magic of Proximity in Shafiei Kadkani's Poetry. *Literary Aeshetic Quarterly,* 13(53), 183- 208. [In Persian]
Sojodi, F. (1981). *Structuralism and Poststructuralism*. (1981). Literary Studies. Tehran: Soreh Mehr. [In Persian]
Saied Aljabbar, M. (1984). *The Poetic Image of Abi Al- Qasim Al- Shabbi*. Libyan: The Arab Language for writers and Institutions. [In Arabic]
Shafiei Kadkani, M.R. (1994). *Music of Poetry*. 4th edition. Tehran: Agah. [In Persian]
----------. (2013*). Resurration of Words*. 3th edition. Tehran: Sokhan. [In Persian]
Shafiei Kadkani, M.R. Golchin. M. (2000). *The Effects of Proximity in Masnavi*. Faculty of Literature and Human Sciences.Tehran Universoty. (4), 29- 42. [In Persian]
Tabatabaie, M. (1996*). Al-Mizan in Interpretation of the Qur'an*. 20vol. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]

Tabarsi, F. (1993). *Al-Bayan complex in Interpretation of the Qur'an*.10th vol. 3 edition. Tehran: Naser Khosrow. [In Persian]
Zadkhoot, M. Hasanloo, H. Noohi & Arian. (2024). Examining The Magic of Ploximity in Collection of Mirrors for Sounds Written by Shafiei Kadkani. *Journal of Linguistic & Rhetorical Studies*. (3), 301- 334. [In Persian]
Ibn Zakaria, H. (2001). *Dictionary of Language Standards*. 5th edition. [In Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی